

وزارت جهادکشاورزی
معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری

خلاصه مقالات
همایش علمی - تخصصی

نتایج مطالعات و ارزشیابی دوره‌های آموزشی فنی - حرفه‌ای کشاورزی و توسعه روستایی

تهران - 22 و 23 دی‌ماه 1382

دفتر مطالعات و تلفیق برنامه‌ها
گروه اطلاع‌رسانی و ارتباطات علمی - پژوهشی

فهرست مطالب

- بررسی روشهای تدریس موجود در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی امور دام (دکتر نادر سلیمانی) 3
- بررسی اثربخشی و کارایی آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیررسمی اموردام (دوره‌های آموزشی گاوداری) (مهندس جواد محمد قلی‌نیا) 9
- ارزشیابی دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای تربیت پرورابند گوساله در استان گیلان (مهندس فتح‌الله کشاورز شال) 17
- بررسی نقش آموزشهای فنی و حرفه‌ای ترویج در ایجاد و تثبیت مشاغل روستایی و کشاورزی (مهندس موسی کاظمی) 25
- بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان روستایی به رشته‌های کشاورزی شاخه تحصیلی کاردانش جهادکشاورزی (مهندس داوود ثمری و جواد حاتمی) 31
- سنجش اثربخشی دوره‌های آموزشی - مهارتی کاردانش بخش کشاورزی (مطالعه موردی رشته‌های گاوداری و مرغداری صنعتی، تولید نهال و جنگلداری و پرورش ماهیان گرم آبی) (ابوعلی و دادهیر) 39
- ارزشیابی عملکرد مروجین روستایی امور دام استان همدان (مهندس علی متقیان و دکتر حسن درخشان) 45

خلاصه مقالات سخنرانان در
همایش علمی - تخصصی

**نتایج مطالعات و ارزشیابی دوره‌های آموزشی
فنی - حرفه‌ای کشاورزی و توسعه روستایی**

بررسی روشهای تدریس موجود در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی امور دام

دکتر نادر سلیمانی

دکترای مدیریت آموزشی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار

همه ساله وزارت جهاد کشاورزی در راستای توجه به مسئله کشاورزی کشور و رسیدگی به مسائل و مشکلات روزافزون کشاورزی و دامداری روستاییان، درصد قابل توجهی منابع مالی، مادی و انسانی را به آموزشهای مهارتی اختصاص می‌دهد. از آنجایی که کار برنامه‌ریزی این دوره‌ها و تدوین استانداردهای مهارت آموزشی توسط دفتر آموزش روستاییان به صورت متمرکز صورت می‌پذیرد، لذا مربیان دوره‌های آموزشی دخالت مستقیم در مرحله برنامه‌ریزی ندارند، لیکن در سایر مراحل اجرایی آموزش مهارتی تا اندازه زیادی نقش دارند و این امر به میزان تخصص، تجربه کار عملی و علاقه آنان بستگی دارد. براساس نگرش سیستمی دریافت بازخورد از چگونگی اجرای این دوره‌ها، می‌توان موجبات بهبود ساختار نظام آموزشی غیررسمی روستاییان را فراهم آورد. در این راستا محقق وضعیت موجود روشهای تدریس مورد استفاده مربیان دوره‌های آموزشی امور (دام شامل شش عنوان؛ تربیت پروراند گوسفند، تربیت کارگر ماهر برای رعایت بهداشت دام و جایگاه آن، مدیریت پرورش گوسفند داشتنی، تربیت کارگر ماهر برای تغذیه دام، تغذیه گوسفند و بز و پشم‌چینی) را مورد بررسی قرار داده است. بدیهی است یافته‌های عینی حاصل از این مطالعه می‌تواند در طراحی دوره‌های آموزشی آینده بویژه در تدوین استانداردهای آموزشی مورد استفاده و استناد قرار گیرد.

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی بوده و به روش توصیفی و همبستگی انجام گرفته است. جامعه آماری آن مشتمل بر 1210 نفر مربیان دوره‌های آموزشی امور دام و 4166 نفر کارآموزان دوره‌های آموزشی منتخب می‌باشد. این دوره‌ها طی سال 1381 در سطح 7 استان؛ خراسان، کرمانشاه، گلستان، سیستان و بلوچستان، تهران و آذربایجان غربی مشتمل بر 40 شهرستان و دهستانهای تابعه آنها برگزار شده است. در این مطالعه از طریق نمونه‌گیری به روش تصادفی، تعداد 144 نفر مربی و 237 نفر کارآموز با استفاده از فرمول «کوکران» از میان جامعه آماری فو به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند.

تفسیر رابطه ساده متغیرها، از طریق "داده‌های توصیفی و تحلیلی"، رابطه بین متغیرها با "به‌کارگیری روشها و آزمونهای آماری ضریب همبستگی پیرسون و آزمون F" انجام شده است.

1- بیشترین روشهای تدریس به کار گرفته شده توسط مربیان این دوره‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: سخنرانی، پرسش و پاسخ، مهارت‌آموزی، کار عملی و بازدید علمی - عملی.

در این مورد هیچ‌گونه تفاوتی بین کاربرد روشهای تدریس توسط مربیان در دوره‌های آموزشی با عناوین مختلف وجود نداشته است.

2- میانگین ساعات تدریس مربیان نشان می‌دهد که تنها در دوره‌های مدیریت پرورش گوسفند داشتی و پشم‌چینی، نسبت ساعات تئوری به عملی رعایت شده است و در سایر دوره‌ها ساعات تدریس متناسب با محتوای آموزشی یک دوره مهارتی نبوده است.

3- مواد رسانه‌های آموزشی نظیر اسلاید، فیلم آموزشی، کتاب، نشریه، جزوه، راهنمای آموزشی، اورهد و وایت‌برد توسط مربیان بیش از سایر رسانه‌های آموزشی استفاده شده است و از لحاظ به‌کارگیری مواد رسانه‌های آموزشی در دوره‌های آموزشی تنها بین میزان استفاده از اسلاید و اورهد و رایانه در دوره‌های آموزشی مختلف تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

4- بررسی و نحوه آزمون و سؤالهای پایان دوره نشان می‌دهد که اغلب مربیان از آزمون کتبی استفاده نموده‌اند. مقایسه میانگین استفاده مربیان از انواع آزمونها و سؤالها در دوره آموزشی، بیانگر آن است که بجز آزمونها با سؤالهای کوتاه، میزان استفاده از سایر آزمونها در عنوان دوره‌های مختلف آموزشی امور دام، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

5- نتایج حاصل از بررسی رابطه بین روشهای تدریس منتخب با برخی ویژگیهای مربیان و کارآموزان نشان می‌دهد که بین سطح تحصیلات مربی، تجربه کار عملی و روشهای تدریس رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین میزان تجربه

کار عملی و مشارکت کارآموزان در دو دوره آموزشی با روشهای کارگاه آموزشی و مهارت‌آموزی این مورد تأیید

شده است، لیکن بین ویژگیهایی چون سابقه تدریس مربیان، ویژگیهای رفتاری کارآموزان بزرگسالان روستایی و

محدودیتهای جسمی آنان با روشهای تدریس منتخب، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. لازم به ذکر است که رابطه بین

روشهای آموزشی به‌کار گرفته شده در سرفصلهای هر دوره با مواد رسانه‌های آموزشی، لوازم، تجهیزات تخصصی، آزمونها و سؤالهای پایان دوره، به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است که به جهت گستردگی از ارائه نتایج آنها در چکیده پرهیز شده است.

اهم پیشنهادهای تحقیق بدین شرح است:

* زمان ارائه موضوعات، توسط مربیان از حالت فشرده خارج شود تا فرصت مناسبی برای یادگیری بهتر کارآموزان

فراهم گردد. همچنین تا حد امکان نسبت ساعات عملی به تئوری در دوره‌های آموزشی، رعایت شود.

* همه‌ساله کارگاههای آموزشی منطقه‌ای یا کشوری جهت آشنایی مربیان با روان‌شناسی یادگیری و روشهای نوین آموزش بزرگسالان تشکیل شود.

* ملاک‌گزینش مربیان براساس سه عامل؛ میزان تجربه کار عملی، سابقه کار در آموزش مهارتی و علاقه‌مندی به آموزش و کار با بزرگسالان روستایی صورت پذیرد.

* مربیان با هماهنگی مجریان، از متقاضیان دوره، نیازسنجی نموده و آنان را سطح‌بندی کنند و سپس در دوره‌های مهارتی درجه‌بندی شده تقسیم نمایند.

* به مربیان توصیه می‌شود حتماً از دانش و مهارت بومی کارآموزان در امر تدریس استفاده کنند.

- * با توجه به تنوع موضوعی آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیررسمی اموردام، شایسته است مربیان از روشهای آموزش متنوع و متناسب با محتوای آموزش و شرایط کارآموزان بهره گیرند.
 - * مجریان، رسانه‌های شنیداری و نورتاب مورد نیاز را تهیه نموده و در اختیار مربیان قرار دهند.
 - * مربیان آموزشی و مجریان جهت ارزشیابی پایان دوره، آزمونهای مهارتی و عملی را سرلوحه کار ارزیابی آموخته‌های فراگیران قرار دهند.
 - * مجریان پیش از تشکیل دوره آموزشی امور دام، ضمن بررسی نیازهای کارآموزان، از کافی و مناسب بودن لوازم و تجهیزات تخصصی مورد نیاز، آگاهی پیدا کنند.
 - * شایسته است ضمن تعمیم چنین تحقیقاتی در سایر استانها، سعی شود جمع‌بندی و خلاصه یافته‌های این پژوهش و سایر تحقیقات مشابه در قالب جدولهای کاربردی، الگوی طرح درس و یا استانداردهای آموزشی، در اختیار مربیان امور دام جهادکشاورزی قرار گیرد.
- در پایان محقق توصیه می‌کند جهت دسترسی و استفاده بهینه مربیان از استانداردهای نوین آموزشی برای آنان بسته‌های نرم‌افزاری (کیت آموزشی) تهیه شود. در صورت امکان می‌توان این امر مهم را از طریق اینترنت (وبسایت) محقق نمود.

بررسی اثربخشی و کارایی آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیررسمی امودام (دوره‌های آموزشی گاوداری)

مهندس جواد محمد قلی‌نیا

دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی

توسعه همه جانبه نیرو یا به عبارتی منابع انسانی (HR) Resource

(Human) از جمله راهبردهای قابل استفاده کشورهای مختلف برای دستیابی به توسعه پایدار و پایداری توسعه در ابعاد مختلف می‌باشد. یکی از اهرمهای مؤثر جهت تحقق بخشی به توسعه نیروی انسانی، اهتمام به امر آموزش مناسب (appropriated education) آنان است.

آموزشهای فنی و حرفه‌ای از جمله آموزشهای کاربردی تقریباً زودبازده در ابعاد فردی و اجتماعی هستند که اثرات شگفت‌آوری در توانمندسازی فراگیران دارند و چنانچه به شکل مطلوب و صحیح، بویژه در قالب آموزشهای پودمانی اجرا شوند، زمینه را برای تغییرات مورد نظر به لحاظ دانشی، بینشی و مهارتی (KSA) به نحو احسن فراهم می‌نمایند. بازدهی عمیق و نسبتاً زود هنگام، آمیختگی چنین نظام آموزشی با ابعاد عملی یا محیط کاری (کاربردی بودن)، وجود نظامها و صور اجرایی متنوع، ریشه‌دار بودن این آموزشها در نظام دانش بومی (استاد - شاگردی)، ارتباط توأمان فردی و اجتماعی (تأثیر بر سطوح خرد و کلان) و... سبب شده است که این نوع آموزشها از قابلیت بالای تلفیق‌پذیری و همسویی با برنامه‌های کلان اجرایی سازمانها و وزارتخانه‌های مختلف در زمینه‌های تخصصی و برنامه‌های متعدد فعالیتی اولویت‌دار - بر مبنای شاخصهای قابل تغییر - برخوردار باشند. بر این اساس، بخشی از مباحث و برنامه‌ها نظیر اشتغالزایی، افزایش راندمان تولید، افزایش توانمندیهای شاغلان و... در وزارتخانه‌های مختلف باید به کمک و با مدد آموزشهای فنی و حرفه‌ای تحقق یابند. درک چنین اهمیتی توسط برنامه‌ریزان کشور در ادوار مختلف برنامه‌ریزی - بخصوص برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب به صورت بلندمدت و میان‌مدت ملی و منطقه‌ای، سبب توجه و گرایش کارشناسانه، مدیریتی و سیاست‌گذاری در این حوزه شده است، به طوری که در روند برنامه اول - هرچند در حد سند باقی ماند و هرگز اجرا نشد - تجمیع‌پذیر کردن و ساماندهی بین بخشی سازمانها و وزارتخانه‌های مختلف صورت‌پذیرفت و در روند برنامه دوم ایجاد فصلی مجزا در سند برنامه دوم مدنظر قرار گرفت و در روند برنامه سوم با نگاهی آسیب‌شناسانه، نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصتهای

(SWOT) مطرح در خصوص چنین آموزش‌هایی تحلیل شده و با بررسی و شناخت تجارب گذشته، افق آینده‌ایجاد و برای عملیاتی کردن برنامه‌ها به شکل جدید اقدام شد (سند برنامه سوم و دستورالعمل بودجه‌ای سال 1382).

در حال حاضر، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به دو صورت عمده؛ رسمی و غیررسمی، در نهادهای مختلف اجرا می‌شود. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی از جمله آموزش‌هایی هستند که از قابلیت بالا و ضریب نفوذپذیری زیادی در افزایش سطح مهارت عمومی اجتماع در کوتاه مدت برخوردارند.

تحقق این مهم در زیرحوزه فعالیت‌های کشاورزی و محیط روستایی، به وزارت جهاد کشاورزی سپرده شده است. طرح حاضر نیز با این دیدگاه، قصد ارزشیابی اثربخشی (میزان تحقق اهداف) چنین آموزش‌هایی را در زیرشاخه کشاورزی و مبحث گاو‌داری به عهده دارد.

شاخص‌های موردنظر در سنجش اثربخشی از نوع بیرونی و با تأکید بر سه محور؛ "سنجش اثربخشی دوره‌های برگزار شده از حیث اشتغالزایی"، "توسعه و تقویت شغل"، "توسعه نیروی انسانی شاغل و توسعه بازده شغل" می‌باشد و الگوی محوریت بخش اثربخشی نیز از نوع ترکیبی (اهداف، مخاطبان راهبردی و...) است. روش تحقیق مورد استفاده کمی گرا همبستگی - همخوانی بوده و نوع تحقیق نیز کاربردی می‌باشد. شایان ذکر است جهت جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه فراگیران و همکاران پاسخگو استفاده شده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSSwin و آمارهای توصیفی و استنباطی لازم بهره گرفته شده است.

خلاصه نتایج به دست آمده از آمار توصیفی نشان می‌دهد که متوسط سن فراگیران پاسخگو 36 سال و آموزشگران پاسخگو 35 سال می‌باشد. همچنین متوسط تجربه کاری فراگیران 11 سال و آموزشگران 8 سال است. حدود 70 درصد، سطح تحصیلات فراگیران دیپلم و اغلب آموزشگران دارای مدرک کارشناسی هستند. نظرات فراگیران نشان می‌دهد که غالب دامداری‌های منطقه مختلط بوده (گوشتی، شیری و پروار بندی گوساله) و بیشتر سنتی یا نیمه صنعتی می‌باشند و به طور متوسط 10 دام در دامداریها وجود دارد (بالغ بر 75 درصد موارد بین یک تا 10 دام دارند).

میزان اثربخشی دوره‌ها از دید فراگیران به لحاظ شاخص اشتغالزایی، توسعه و تثبیت شغل؛ متوسط با گرایش به کم، از بُعد شاخص توسعه منابع انسانی؛ در حد متوسط با گرایش به کم، به لحاظ شاخص بازدهی شغلی؛ در حد متوسط رو به کم و در نهایت از بُعد اثربخشی کلی دوره نیز متوسط رو به پایین بیان شده است.

میزان اثربخشی از دید آموزشگران در مورد وضعیت شاخص اشتغالزایی متوسط تا زیاد، از بُعد شاخص توسعه منابع انسانی؛ در حد متوسط تا زیاد و به لحاظ شاخص بازدهی شغل؛ در حد متوسط و در کل از بُعد شاخص تجمیعی؛ در حد متوسط بیان شده است.

تحلیل آمارهای استنباطی مرتبط نشان می‌دهد که؛ بین سن فراگیران پاسخگو و نظراتشان در خصوص میزان اثربخشی دوره‌ها (از بُعد شاخص اشتغالزایی، تقویت و تثبیت شغل) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین تعداد دفعات شرکت فراگیران در دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی و میزان اثربخشی دوره‌ها (از بُعد شاخص اشتغالزایی، توسعه و تقویت شغل، توسعه منابع انسانی، بازدهی شغلی و شاخص تجمیعی) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بین نمره به دست آمده از آزمون KSA پاسخگویان و نظراتشان در خصوص میزان اثربخشی دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی (از بُعد

شاخص توسعه منابع انسانی) **رابطه مثبت و معنی داری** وجود دارد. بین تعداد دوره‌های فنی و حرفه‌ای برگزار شده در خصوص گاو‌داری توسط آموزشگران و نظرات آنها در مورد اثربخشی دوره‌ها (شاخص توسعه منابع انسانی) **رابطه منفی و معنی داری** وجود دارد. بین وضعیت پراکندگی استانی فراگیران پاسخگو و نظرات آنها در خصوص اثربخشی دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی گاو‌داری (از بُعد شاخصهای میزان توسعه نیروی انسانی، بازدهی شغل، اشتغالزایی و شاخص کلی) **تفاوت معنی داری** وجود دارد. بین محل برگزاری دوره‌ها و نوع دامداری (گوشتی، شیری، پروار بندی گوساله و مختلط) از بُعد شاخصهای چهارگانه و نظرات فراگیران در خصوص اثربخشی دوره‌ها، **تفاوت معنی داری** وجود دارد. بین میزان امکانات موجود در دامداری و میزان اثربخشی دوره‌ها از بُعد شاخصهای چهارگانه از دید فراگیران **تفاوت معنی داری** وجود دارد.

نتایج به دست آمده بیانگر این واقعیت است که در کل **اثربخشی دوره‌ها در حد متوسط** (نه کم و نه خیلی کم و نه زیاد و خیلی زیاد) می‌باشد و این در حالی است که به نظر می‌رسد چنانچه دوره‌ها به شکل مطلوبتری برگزار شوند و حمایت‌های اعتباری و اجرایی جهت عملی کردن آموخته‌ها در میدان عمل فراهم شود، اثربخشی دوره‌ها به صورت مناسبی افزایش خواهند یافت.

پیشنهادهای

* بین برنامه‌های وزارتخانه جهاد کشاورزی در خصوص افزایش تولید، اشتغالزایی و توسعه منابع انسانی و نظیر آن با دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی کشاورزی، دامداری و صنایع روستایی باید نوعی ارتباط نزدیک و تنگاتنگ عملیاتی برقرار گردد و بخشی از وظایف مطرح در وزارتخانه جهاد کشاورزی در قالب این برنامه‌ها تحقق پذیرد.

* از آنجا که گروه‌های فراگیر شرکت کننده در دوره‌ها از بعد امکانات، سطوح تحصیلاتی و سنی (با وجود مطرح بودن حداقل شرایط در کتابچه‌های استاندارد آموزشی) شرایط یکنواختی ندارند و به نظر می‌رسد تغییرات و نوسانات مطرح در اثربخشی دوره‌ها نیز ناشی از چنین وضعیتی باشد، لذا باید در مورد گروه‌های هدف ویژه با شرایط امکاناتی، توسعه یافتگی منطقه‌ای، تحصیلاتی، تجربه و سابقه فعالیت و... یکسان، تحقیقی جداگانه و مستقل انجام گیرد.

* یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده **اثربخشی متوسط** در شاخصهای عدیده مطرح شده در بازده بیرونی دوره‌هاست. با وجود این به نظر می‌رسد غالب این دلایل از ناکارآمدی شیوه‌های برگزاری دوره (کارایی پایین دوره) و همچنین کمبود امکانات جانبی مورد نیاز جهت تقویت و تداوم کار و فعالیت، ناشی شده باشد. لذا پیشنهاد می‌شود؛ به شکل کاملاً نظام مند، وضعیت کارایی دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی خاصه **گاو‌داری** تحلیل و بررسی شود تا بعد از رفع معایب و نقاط ضعف دوره، شرایط برای تقویت دوره‌ها، با مهیاسازی امکانات مناسب محیطی جهت فعالیت جامعه هدف، نظیر امکانات اعتباری و نظایر آن اقدام‌های لازم صورت گیرد.

* فعالیت یاد شده را می‌توان برای تمامی شاخه‌ها و دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیررسمی عملی نمود و در نهایت

با

جمع‌بندی‌های انجام شده براساس نتایج موجود یا به دست آمده از وضعیت دوره‌های بخش آموزش سازمان آموزش وزارت کشاورزی سابق اقدام به تدوین شیوه‌نامه و دستورالعمل واحدی در این خصوص و برپایه تجارب پیشین و چشم‌اندازهای آتی کرد.

* از آنجایی که دوره‌های فنی و حرفه‌ای از نوع فعالیتی هستند که حدود 40 سازمان، نهاد و وزارتخانه درگیر آن می‌باشند، پیشنهاد می‌شود با انتقال تجارب به دست آمده به سایر وزارتخانه‌ها و اخذ تجارب مرتبط از سایر نهادها، زمینه جهت تبادل اطلاعات، دانش فنی و مدیریتی کار در سطح کلان مهیا شود.

ارزشیابی دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای تربیت پرورابند گوساله در استان گیلان

مهندس فتح‌ا... کشاورزشال

کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

کارشناس مسئول مطالعات مدیریت ترویج و مشارکت مردمی استان گیلان

پرورش دام بویژه پرورابندی گوساله‌های بومی در استان گیلان یکی از مشاغل بومی در روستاهاست که علاوه بر تأمین بخش قابل توجهی از گوشت قرمز استان، معیشت گروه کثیری از دامداران را نیز تأمین می‌کند. در همین راستا مدیریت ترویج و مشارکت مردمی جهاد کشاورزی استان گیلان هر ساله دوره‌های آموزشی متعددی را برگزار می‌کند که هدف آن انتقال شیوه‌های نوین و بهنگام پرورابندی به دامداران است. سنجش اثربخشی و کارایی این دوره‌ها نیازمند پژوهش است تا میزان تحقق هدفهای رفتاری و افزایش اطلاعات بهره‌برداران و نیز به‌کارگیری دانش در مزرعه مشخص گردد. لذا این تحقیق با هدف بررسی میزان تغییر در دانش فنی و مهارت فراگیران در دوره‌های تربیت پرورابند گوساله در قبل و پس از شرکت در دوره آموزشی در استان گیلان انجام شده است. به این منظور تعداد 100 نفر از پرورابندان در 5 شهرستان، انتخاب و دوره‌های فنی و حرفه‌ای پرورابندی در مدت دو هفته برای آنها اجرا شد. در نهایت از بین این تعداد 60 نفر از فراگیران که تا پایان دوره باقی مانده بودند در 4 شهرستان انتخاب و به عنوان جامعه تحقیق در نظر قرار گرفته شدند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که به لحاظ آماری در شهرستانهای مذکور در میزان دانسته‌های فراگیران در پایان دوره نسبت به ابتدای دوره تفاوت معنی‌داری به چشم می‌خورد و این اطمینان در سطح 99 درصد قابل استفاده است. همچنین بین سطح سواد و پیشرفت آموزش ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. این تحقیق از جهت نوع ارزشیابی و جامعه‌آماری، شامل؛ کلیه دامداران پرورابند شرکت‌کننده در دوره بوده است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات؛ مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه بوده‌اند که نتایج بررسی انجام شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و برای این منظور از آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در شهرستان رشت بیشترین نیازهای اطلاعاتی درباره مطالبی چون؛ روش نگهداری علوفه سبز و آبدار، تنظیم ابعاد جایگاه پرورابندی، رعایت مدت زمان و فصل پرور، رعایت اصول بهداشت دام و شناخت خصوصیات یک جیره مناسب بوده است.

پس از پایان دوره آموزش، بیشترین سطح اطلاعات و آگاهی فراگیران در زمینه‌هایی مانند؛ آشنایی با تعریف پرواربندی، استفاده از کاه‌غنی‌شده، روشهای صحیح ضدعفونی جایگاه، رعایت مدت، زمان و فصل پروار، مبارزه با انگلهای خارجی و داخلی دام بوده است.

اگرچه فراگیران از عملکرد محتوای آموزش و آموزشگر رضایت خاطر داشته‌اند، ولی به نظر آنها از "وسایل کمک آموزشی مناسب" استفاده نشده است. روش تدریس به کار گرفته شده در آموزش، ترکیبی از برنامه‌های عملی و نظری بوده است و فراگیران از زمان، مدت و فصل برگزاری دوره اظهار رضایتمندی کرده‌اند. ارزشیابی نهایی در شهرستان رشت نشان می‌دهد که فراگیران در زمینه استفاده از گوشت، گوساله گوشتی مناسب، رعایت سن کشتار و سن پروار، توجه به خصوصیات ظاهری گوساله‌های پروار و به‌کارگیری اصول تغذیه دام عملکرد خوبی داشته‌اند.

در شهرستان صومعه‌سرا فراگیران در آغاز بیشترین نیاز خود را در محورهایی چون؛ شناخت خصوصیات یک جیره مناسب، شناخت علائم دام بیمار، رعایت اصول بهداشت دام، شناخت و استفاده از خوراکیهای پرانرژی در تغذیه دام، تغذیه ابعاد جایگاه پرواربندی ذکر کرده‌اند. در پایان دوره، فراگیران بهترین نتایج را در محورهایی چون؛ رعایت جهت جغرافیایی جایگاه پرواربندی، آشنایی با روشهای صحیح ضدعفونی جایگاه دام، آشنایی با روش تهیه کاه غنی شده برای تغذیه دام بیان کرده‌اند. عملکرد آموزش و محتوای دوره‌ها به نظر فراگیران، بسیار خوب و آموزشگران نیز از نگاه آنها عملکرد خوبی داشته‌اند.

در مورد به‌کارگیری ابزار کمک آموزشی، عملکرد بسیار ضعیفی وجود داشته است. در زمینه فضای آموزشی، در مجموع فراگیران رضایت کافی نداشته‌اند، اما از فصل برگزاری دوره اظهار رضایت کرده‌اند. میانگین نمرات فراگیران نشانگر عملکرد آموزشی برحسب اهداف رفتاری بوده است. عملکرد فراگیران در مرحله نهایی حاکی از اقدامهای مثبت آنان در زمینه‌های استفاده از گوساله‌های گوشتی، رعایت سن پروار و سن کشتار و توجه به خصوصیات ظاهری دام بوده است.

در شهرستان ماسال نتایج ارزشیابی تشخیصی نشان می‌دهد که محورهای عمده مورد نیاز فراگیران را مسائلی چون؛ رعایت ابعاد جایگاه پرواربندی، رعایت اصول بهداشت و روشهای مناسب پیشگیری از بیماریهای دام، خصوصیات یک جیره مناسب، نگهداری علوفه سبز و آبدار تشکیل داده است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که آشنایی با تعریف پرواربندی، رعایت جهت جغرافیایی در ساخت جایگاه پروار، طرز تهیه کاه غنی شده و رعایت سن و وزن مناسب گوساله‌های پروار و نیز انتخاب گوساله‌های پرواری از جمله مواردی بوده‌اند که بیشترین میزان یادگیری را از سوی فراگیران نشان داده‌اند.

میانگین نمرات فراگیران قبل و پس از آموزش نشانگر عملکرد مناسب دوره بوده است. عملکرد آموزش در زمینه محتوای آموزشی، نتایج قابل قبولی را نشان می‌دهد. در این شهرستان در مورد استفاده از ابزار کمک آموزشی، عملکرد بسیار ضعیفی وجود داشته است، لیکن از فضای آموزشی رضایت کامل داشته‌اند.

ارزشیابی نهایی حاکی از نتایج مثبت در زمینه مسائل مربوط به انتخاب، سن پروار و خصوصیات ظاهری دام بوده است.

در شهرستان سیاهکل نتایج ارزشیابی تشخیصی نشانگر نیاز فراگیران به شناخت خصوصیات یک جیره مناسب، استفاده از روشهای نگهداری علوفه سبز و آبدار، اختصاص فضای مناسب برای گوساله‌های پرواری، عرضه گوشت تولیدی به مراکز ذی‌ربط، شناخت منابع غذایی دام در استان و تنظیم ابعاد جایگاه دام بوده است.

پس از اتمام دوره آموزشی، آموزش در جهت یاددهی مسائلی مانند؛ آشنایی با تعریف کامل پرواربندی، رعایت جهت جغرافیایی در ساخت جایگاه، رعایت مدت، زمان و فصل پروار، شناخت و استفاده از خوراکی‌های پرانرژی، انتخاب گوساله‌های پرواری براساس صفات ظاهری عملکرد بالایی داشته است.

میانگین نمرات عملکرد فراگیران نیز حاکی از عملکرد مناسب آموزش است. به عقیده فراگیران، محتوای آموزش قابل قبول، لیکن عملکرد رسانه آموزشی، ضعیف بوده است.

در مرحله نهایی، عملکرد فراگیران در مزرعه، در زمینه انتخاب گوساله، سن پروار، سن کشتار و... نتایج متوسط تا پایینی را نشان داده است.

نتایج آزمون مقایسه میانگینها در مورد تمامی شهرستانها نشان می‌دهد که کلیه دوره‌های اجرا شده برای فراگیران، مفید واقع شده‌اند و این مورد نسبت به بعد از آموزش تفاوت معنی‌داری را نشان داده است.

میانگین نتایج به دست آمده حاکی از افزایش عملکرد آموزش فراگیران در قبل و بعد از آموزش است و معنی‌دار بودن عملکرد آموزش در بین فراگیران بوضوح قابل مشاهده است، چنان که فراگیران به لحاظ سطح دانش فنی و مهارت از قبل تا پس از آموزش در تمامی دوره‌ها رشد معنی‌داری را نشان داده‌اند. بنابراین دوره‌ها بخوبی توانسته‌اند اثرات آموزشی خود را نشان داده و رسالت آموزشی خود را ایفا کنند.

پیشنهادهای

- 1- طرح سؤالیهای تشخیصی از تجارب و دیدگاه کارشناسان ذی‌ربط
- 2- انجام کار آموزشی براساس اهداف رفتاری
- 3- هماهنگی بین شرایط داوطلبان و ماهیت فنی آموزش
- 4- تعیین چارچوب برنامه آموزش براساس آزمون تشخیصی
- 5- استفاده از ابزار کمک آموزشی در فرایند آموزش

بررسی نقش آموزشهای فنی و حرفه‌ای ترویج در ایجاد و تثبیت مشاغل روستایی و کشاورزی

مهندس موسی کاظمی

دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی

تأمین مشاغل پربازده‌ای که جوابگوی نیازهای فرد و خانواده او باشد، یک نیاز اساسی و جزء حق اصلی هر شهروند در یک جامعه متمدن به حساب می‌آید. بنابراین یکی از وظایف اصلی دولت‌ها ایجاد فرصتهای شغلی پربازده و مولد برای اقشار مختلف جامعه است. توسعه آموزشهای ترویجی و فنی - حرفه‌ای، راهکاری شناخته شده و مؤثر در تأمین این فرصتهای شغلی است. پژوهش حاضر به دنبال تعیین نقش این آموزشها در ایجاد و تثبیت مشاغل روستایی از دیدگاه روستاییان و متخصصان آموزشی کشور انجام شده است.

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده که در ابتدا برای شناخت دقیقتر عوامل تأثیرگذار و استخراج متغیرها و فرضیات اساسی تحقیق به صورت کیفی و در قالب بازدید از مناطق مورد مطالعه انجام شده است. پس از بررسی اسنادی و استخراج نتایج تحقیق کیفی و تعیین متغیرها و مدل نظری تحقیق، بخش کمی آن براساس یک نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند انجام شده است. در نمونه‌گیری به عمل آمده؛ سه استان گیلان، سمنان و کهگیلویه و بویراحمد انتخاب و در نهایت 496 نفر از سه جامعه مورد مطالعه (شامل کسانی که طی 5 سال گذشته (71-76) در دوره‌های آموزشی شرکت نموده بودند، کسانی که در این دوره‌ها شرکت نداشته‌اند و همچنین 122 نفر از دست‌اندرکاران طراحی، اجرا و ارزشیابی این دوره‌ها) در 25 شهرستان و 226 روستا مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار پژوهش در این مرحله پرسشنامه بوده است که هر سه نمونه پرسشنامه؛

1- پرسشنامه ویژه شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی

2- پرسشنامه ویژه روستاییانی که در این دوره‌ها شرکت نداشته‌اند

3- پرسشنامه ویژه مدیران، برنامه‌ریزان و مجریان دوره‌های آموزش ترویجی و فنی - حرفه‌ای

طراحی و پس از تعیین روایی و پایایی آن، مورد استفاده قرار گرفت.

براساس یافته‌های این پژوهش آموزش در کنار سایر عوامل مؤثر بر اشتغال، از اولویت میانی برخوردار است. به عبارت دیگر، تنها به اتکای آموزش نمی‌توان انتظار داشت که اشتغال ایجاد و تثبیت شود و لذا لازم است برخی اولویتهای دیگر از

جمله رفع برخی محدودیتهای اقتصادی وزیربنایی در دستور کار دست‌اندرکاران اشتغال کشور قرار گیرد. از سوی دیگر، رابطه مثبت و مؤثری بین "میزان شرکت در دوره‌های آموزشی" و "بهبود وضعیت شغلی و زندگی روستاییان" وجود دارد و این پژوهش ثابت کرده است که نقش آموزش بر ثبات وضعیت شغلی انکارناپذیر است. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شاخص بهبود وضعیت شغلی و زندگی شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی به مراتب بالاتر از شاخص محاسبه شده برای افرادی است که در این دوره شرکت نداشته‌اند. از سوی دیگر، رابطه مثبت و کاملاً معنی‌داری بین "میزان شرکت در دوره‌های آموزشی" و "ایجاد انگیزه برای شروع شغل جدید" و همچنین "افزایش مهارت و تبحر در فعالیتهای شغلی" وجود دارد. علاوه بر این، دست‌اندرکاران آموزشی بر این عقیده‌اند که آموزش شغلی روستاییان باید بر اساس "واقعتهای زندگی و شرایط و خواسته‌های آنان" برنامه‌ریزی شده و برای کسب نتیجه مطلوبتر "به شکل گام به گام و از طریق آموزش عملی مهارتهای شغلی" انجام شود. در این میان "بها دادن به دانش و مهارتهای آنان در توسعه شغلی" مؤثر است.

پیشنهادهای

در تحقیق حاضر برای افزایش اثربخشی دوره‌های آموزشی در زمینه "ایجاد" و "تثبیت اشتغال روستایی" پیشنهادهایی بشرح زیر ارائه شده است:

- * انجام تحقیقات فصلی نیازسنجی توسط مروجان محلی
- * تخصیص بودجه‌های آموزش روستاییان برحسب اولویتهای اشتغال در بخش کشاورزی
- * توجه به چندپیشگی در جامعه روستایی
- * تنوع بخشیدن به دوره‌های آموزشی بویژه در خصوص راههای افزایش درآمد و بازدهی سرمایه و مدیریت نظام بهره‌برداری
- * تأسیس مراکز آموزش شغلی در تمامی دهستانهای کشور با مشارکت روستاییان
- * اصلاح ساختار نیروی انسانی در زمینه آموزش ترویجی و آموزش فنی - حرفه‌ای متناسب با تنوع بخشی به اشتغال روستایی
- * ارائه یافته‌های این تحقیق به دست‌اندرکاران آموزشهای ترویجی و فنی - حرفه‌ای کشور به عنوان یک راهنما
- * ادامه تحقیق در هر یک از زیربخشهای کشاورزی، به فراخوردسته‌بندی عوامل مؤثر استخراج شده در این تحقیق، همچون؛ تأثیر شخصیتی - روانی آموزش بر اشتغال، تأثیر اقتصادی آموزش بر اشتغال، تأثیر اجتماعی آموزش بر اشتغال، تأثیر آسیب‌شناسی آموزش بر اشتغال، نقش معرفی بازاریابی و بازاریابی آموزشی در اشتغال روستایی)

بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان روستایی به رشته‌های کشاورزی شاخه تحصیلی کاردانش جهادکشاورزی

مهندس داوود ثمری - جواد حاتمی

گرایشها از مهمترین بخشهای زندگی عاطفی و احساسی انسانها هستند و اغلب نیز تعیین‌کننده طرز عمل و رفتار آنها می‌باشند. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان اهمیت خاصی برای گرایشها قایل‌اند. آنها معتقدند که؛ "گرایشها موقعیت بسیار مهمی را در ترکیب ذهنی ما اشغال می‌کنند و در نحوه عمل ما مؤثرند. گرایشها نیروی محرکه قوی و هدایت‌گری هستند که در خدمت رفتارهای ما می‌باشند. گرایشها ما را برای انجام گونه‌های مختلفی از اعمال مهیا می‌کنند."

دانشمندان در واقع گرایشها را بدین منظور مطالعه می‌کنند که آنها به‌طور دقیق می‌توانند پیشگوی رفتارهای ما باشند. براساس هدف تحقیق، این تحقیق از نوع کاربردی است که هدف آن توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها، تحقیق حاضر از نوع پیمایشی است که در مقطع زمانی 1380 تا 1381 انجام شده است.

علاوه بر این، تحقیق مذکور نوعی تحقیق پس‌رویدادی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزانی که در رشته‌های کاردانش بخش کشاورزی در سال 80-81 مشغول به تحصیل بوده‌اند و همچنین تمامی مسئولان آموزشگاههای مربوط می‌باشد. برای نمونه‌گیری نیز با استفاده از انتخاب تصادفی استانها و نیز روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، طبق حجم دانش‌آموزان کل استان مزبور، تعداد دانش‌آموزان مربوط به هر استان تعیین شده‌اند.

تحقیق حاضر در پنج استان آذربایجان غربی، کردستان، خراسان، مازندران و خوزستان انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که 92/7 درصد از افراد مورد مطالعه پسر و 7/3 درصد دختر هستند. خاستگاه 53/2 درصد از آنها روستا و 46/7 درصد نیز شهر می‌باشد. میزان تحصیلات پدر افراد مورد مطالعه با بیشترین فراوانی یعنی 82/3 درصد بی‌سواد و یا کم‌سواد می‌باشد. این آمار در خصوص سطح سواد مادران 96/3 درصد است. میانگین سنی دانش‌آموزان مورد مطالعه 16/56 سال می‌باشد و همچنین میانگین معدل سال اول دبیرستان آنها 13/34 برآورد شده است.

نتایج حاصل در خصوص وضعیت موجود رشته‌های تحصیلی شاخه کاردانش نشان می‌دهد که 45 درصد از کارآموزان در زمینه رشته تحصیلی خود سابقه کاری دارند و بالغ بر 82 درصد نیز معتقدند که در زمینه رشته تحصیلی آنها امکانات

رفاهی از قبیل خوابگاه، غذا و... وجود دارد. در مورد تسهیلات حمایتی مثل وام بانکی نیز 77/7 درصد اظهار داشته‌اند که این تسهیلات در رشته‌های کاردانش وجود دارد. حدود 70 درصد از کارآموزان معتقدند که قبل از انتخاب رشته، تبلیغات لازم در خصوص جذب کارآموز توسط مراکز آموزشی صورت گرفته است و مؤثرترین وسایل تبلیغاتی به ترتیب؛ "برگه‌های اطلاع‌رسانی" و "سخنرانی مسئولان مراکز آموزشی" بوده‌اند.

نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عواملی از قبیل؛ "امکان ادامه تحصیل" و "اهمیت قایل شدن والدین به رشته‌های کاردانش کشاورزی" بیشترین اهمیت را در انتخاب رشته کارآموزان داشته است. همچنین یافته‌های تحقیق مؤید این موضوع است که کارآموزان نسبت به رشته‌های تحصیلی خود شناخت و احساس خوبی دارند و تحصیل در این رشته‌ها باعث تغییر رفتار در آنها شده است. از سوی کارآموزان، کمبود امکانات آموزشی از قبیل؛ آزمایشگاه، رایانه و ابزار کار عملی، کمبود امکانات رفاهی و تفریحی و کمبود امکانات ورزشی به ترتیب از مهمترین مشکلات رشته‌های تحصیلی کاردانش کشاورزی مطرح شده است. این در حالی است که مشکلاتی از قبیل؛ عدم حمایت از آینده کاری بعد از فارغ‌التحصیلی، تخصیص ندادن وام و تسهیلات بانکی و کمبود امکانات آموزشی و عملی از سوی مربیان، مهمترین مشکلات فراروی رشته‌های تحصیلی کاردانش کشاورزی است.

یافته‌های تحلیلی پژوهش حاضر، حاکی از آن است که در میان عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان، عامل "امکانات و تسهیلات" که با عنوان عوامل اقتصادی - اجتماعی تعریف شده است، بیشترین تأثیر را در گرایش آنها داشته است. عوامل فردی و شخصیتی از نظر تأثیر بر گرایش دانش‌آموزان در رتبه دوم قرار دارد. سپس به ترتیب عوامل سازمانی (دست‌اندرکاران)، عوامل خانوادگی و عوامل مربوط به دوستان و آشنایان در ایجاد گرایشهای دانش‌آموزان به شاخه کاردانش کشاورزی مؤثر بوده‌اند.

در تحلیل دقیقتر میزان تأثیر هر یک از عوامل بر بُعد خاصی از گرایش می‌توان گفت که در بین عوامل مورد بررسی، عامل "امکانات و تسهیلات" و عامل "دوستان و آشنایان" به ترتیب بیشترین تأثیر را بر روی بُعد شناختی گرایش آنها داشته‌اند.

تفسیر مدل رگرسیون بُعد احساسی گرایش نیز حاکی از آن است که عوامل مربوط به "امکانات و تسهیلات" و "دوستان و آشنایان" بیشترین تأثیر را بر بُعد احساسی گرایش دانش‌آموزان داشته‌اند. از برازش مدل رگرسیونی بُعد رفتاری گرایش نیز چنین استنباط می‌شود که بُعد رفتاری گرایش بیش از هر عامل دیگری، از سه دسته عوامل فردی، سازمانی و دوستان و آشنایان، متأثر است.

پیشنهادها

* پیشنهادهای ارائه شده در این قسمت متأثر از سه مقوله می‌باشد.

- 1- نتایج پژوهش در مورد تأثیر عوامل مختلف بر شکل‌گیری گرایش دانش‌آموزان
- 2- تحلیل راهکارهای ارائه شده از سوی مربیان جهت افزایش گرایش کارآموزان
- 3- تحلیل دیدگاه مربیان در خصوص وجود مشکلاتی که رفع آنها موجب ایجاد گرایش در دانش‌آموزان نسبت به رشته‌های کاردانش بخش کشاورزی خواهد شد.

- * فراهم کردن امکان ادامه تحصیل برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های کاردانش بخش کشاورزی
- * حمایت‌های علمی و کارساز از فارغ‌التحصیلان رشته‌های کاردانش
- * اقدام به تبلیغات مؤثر و اطلاع‌رسانی صحیح و صادقانه به دانش‌آموزان روستایی در مورد رشته‌های کاردانش بخش کشاورزی
- * ضرورت ایجاد تغییر در نگرش‌های عمومی مردم نسبت به مشاغل بخش کشاورزی (به نظر می‌رسد مؤثرترین شیوه برای تغییر این‌گونه نگرش‌ها بهبود وضعیت معیشتی و رفاه نسبی این قشر باشد).
- * ایجاد امکانات آموزشی مناسب و بهبود کیفیت آموزشی رشته‌های کاردانش بخش کشاورزی
- * اعمال نظارت جامع و کارآمد بر فرایند آموزش دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی
- * ایجاد و توسعه رشته‌های کاردانش بخش کشاورزی متناسب با نیازهای بومی و منطقه‌ای
- * اجرای پروژه‌های تحقیقاتی جهت پی بردن به نقاط قوت و ضعف دوره‌های علمی - کاربردی به منظور دانش محور کردن برنامه‌های آموزشی و افزایش بهره‌وری

سنجش اثربخشی دوره‌های آموزشی - مهارتی
کاردانش بخش کشاورزی (مطالعه موردی رشته‌های
گاوداری و مرغداری صنعتی، تولید نهال، جنگلداری و پرورش
ماهیان گرم آبی)

ابوعلی و دادهیر

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی یکی از مهمترین دوره‌های آموزش فنی - حرفه‌ای در کشور است که با هدف تأمین نیروی انسانی کارآموده، مولد و همچنین ارتقای شرایط شغلی، تحصیلی و در نهایت تحرک اجتماعی (Social Mobility) دانش آموختگان، در طی سالهای اخیر به اجرا درآمده است. دوره‌های مذکور در اکثر استانهای کشور، به غیر از استانهای زنجان و چهارمحال و بختیاری، متناسب با نیازها و پتانسیلهای منطقه‌ای، کشاورزی و دامداری ایجاد و اجرا شده است.

پژوهش حاضر با هدف سنجش اثربخشی و کارایی برخی از رشته‌های کاردانش بخش کشاورزی انجام شده است. جامعه آماری (population) این پژوهش، دانش آموختگان دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی در رشته‌های انتخابی بوده است. حجم نمونه (Sample Size) تحقیق دربرگیرنده 377 دانش آموخته بود که از این تعداد فقط 230 نفر در دسترس بوده و مورد مطالعه قرار گرفته است. در کل قابل ذکر است که در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری احتمالات متناسب با حجم خوشه‌ها (PPS) به صورت چند مرحله‌ای استفاده شده است.

از نظر روش شناختی، تحقیق حاضر از نوع پیمایشی (Survey) و به لحاظ زمانی از نوع مقطعی (Cross-Sectiona) بوده و از تکنیک پرس‌وجوی کتبی یا پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. در تحلیل‌های دو متغیره از تحلیل واریانس، آزمون تفاوت میانگین و ضریب همبستگی پیرسون و... استفاده شده است. همچنین از تحلیل عاملی (Factor Analysis) برای مشخص کردن ابعاد متفاوت مفهوم اثربخشی و کارایی (شاخص‌سازی مفاهیم) و از روش آلفای کرونباخ (Cronbach's) برای تحلیل روایی وسیله اندازه‌گیری استفاده شده است.

شایان ذکر است که تمام پردازشهای آماری و روش شناختی این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام شده است.

در این مطالعه، تعدادی از مؤلفه‌هایی که برای سنجش اثربخشی دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی استفاده شده‌اند، عبارت‌اند از: معدل فارغ‌التحصیلی دوره نسبت شاغلان در میان کل فارغ‌التحصیلان، میزان فراگیری مهارت‌ها و فنون لازم و کافی، میزان شناخت مشاغل مولد، میزان اعتماد به نفس (عزت نفس)، مسئولیت‌پذیری و تعاون در امور، نظم و انضباط و برنامه‌ریزی در امور فردی، اجتماعی، روحیه پرکاری و تلاش، دانش و توانایی فکری و...

مهمترین یافته‌ها و نتایج این تحقیق عبارت‌اند از:

- * حدود 54 درصد از افراد مورد مطالعه به لحاظ خاستگاه اجتماعی متولد روستا و بیش از 53 درصد از آنها در حال حاضر ساکن شهر می‌باشند.
- * به لحاظ وضعیت تأهل، بیش از 81 درصد از پاسخگویان مجرد و مابقی (7/18 درصد) متأهل می‌باشند.
- * به لحاظ وضعیت نظام وظیفه، حدود 61 درصد از افراد مورد مطالعه دارای کارت پایان خدمت، 18 درصد دارای معافیت‌های پزشکی و تحصیلی، 3/14 درصد دارای دفترچه آماده به خدمت یا در حال انجام خدمت سربازی و در نهایت 4 درصد از پاسخگویان فاقد کارت پایان خدمت و به نوعی غایب می‌باشند.
- * به لحاظ وضعیت اشتغال به تحصیل، فقط 6/9 درصد از فارغ‌التحصیلان رشته‌های مورد مطالعه مشغول تحصیل در مقاطع بالاتر هستند. این در حالی است که بیش از 70 درصد از آنها مایل به ادامه تحصیل در دوره‌های بالاتر می‌باشند.
- * به لحاظ وضعیت اشتغال، فقط 6/6 درصد از افراد مورد مطالعه شاغل بوده و 4/93 درصد از آنها بیکارند. این در حالی است که بیش از 98 درصد از آنها مصمم و مایل به داشتن شغل هستند.
- * میزان اثربخشی دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی بر حسب وضعیت تأهل افراد مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری ندارد.
- * میزان اثربخشی دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی بر حسب خاستگاه اجتماعی افراد مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری ندارد. مع الوصف، تلویحاً می‌توان استنباط کرد که متولدین شهرها اثربخشی بالاتری از خود نشان می‌دهند.
- * سطح تحصیلات والدین با میزان اثربخشی دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی ارتباط معنی‌داری ندارد.
- * نوع شغل والدین با میزان اثربخشی دوره کاردانش بخش کشاورزی مورد مطالعه ارتباط معنی‌داری ندارد.
- * میزان اثربخشی دوره‌های کاردانش کشاورزی به تفکیک نوع استان و شهرهای مورد مطالعه تفاوت کاملاً معنی‌داری دارد.
- * میزان اثربخشی دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی به تفکیک سال فارغ‌التحصیلی افراد مورد مطالعه تفاوت کاملاً معنی‌داری دارد.
- * میزان اثربخشی دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی به تفکیک نوع رشته تحصیلی افراد، تفاوت معنی‌داری دارد. چنان که به ترتیب؛ رشته‌های کاردانش بخش کشاورزی "تولید نهال، جنگلداری و گاو‌داری صنعتی" بیشترین و رشته‌های "پرورش ماهیان گرم آبی و پرورش صنعتی طیور" کمترین میزان اثربخشی را به خود اختصاص داده‌اند.
- * میزان اثربخشی در مورد افراد شاغل در مقام مقایسه با افراد غیر شاغل (بیکار) به نحوه قابل توجهی بالا بوده است.
- * میزان کارایی رشته‌های مورد مطالعه بر حسب نوع رشته تفاوت معنی‌داری ندارد، لیکن بر حسب سال فارغ‌التحصیلی افراد دارای تفاوت معنی‌داری است.

* میزان کارایی دوره‌های مورد مطالعه برحسب نوع استان و شهرهای مورد مطالعه متفاوت است.
* بین میزان کارایی و اثربخشی دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی همبستگی مستقیم قابل توجهی مشاهده می‌شود.

در مجموع به نظر می‌رسد که دوره‌های کاردانش بخش کشاورزی به لحاظ ابعاد فنی و آموزشی اثربخشی و کارایی درونی موفق بوده است یا حداقل به اهداف از پیش تعیین شده نایل شده است، اما به لحاظ کارایی بیرونی و ابعاد اجتماعی اثربخشی همچون ایجاد تحرک اجتماعی، ارتقای تحصیلی، افزایش اشتغال، ایجاد درآمد، تأمین اجتماعی و... به اهداف مورد نظر خود نرسیده و تا حدودی اثربخشی محدودی داشته است.

ارزشیابی عملکرد مروجین امور دام استان همدان

مهندس محمدعلی متقیان

کارشناس تحقیقات و بررسی مسائل روستایی استان همدان

اهمیت و ضرورت تحقیق

باتوجه به اهمیت فراوان فعالیتهای مختلف امور دام از جمله واکسیناسیون و غیره و همچنین پراکندگی جغرافیایی مناطق، معاونت ترویج و مشارکت مردمی از روستاییان پیشرو در زمینه دامداری به عنوان همکاران مروجین رسمی در زمینه مذکور استفاده می نماید.

در همین راستا با توجه به اهداف تحقیق و نتایج مورد انتظار و با عنایت به این موضوع که متأسفانه پس از سالها فعالیت مروجین، هنوز هیچ گونه اقدامی در استان جهت ارزشیابی عملکرد آنها صورت نگرفته، لذا انجام تحقیقی با هدف "ارزشیابی فعالیتهای مروجین روستایی امور دام" استان همدان ضروری به نظر می رسد.

اهم اهداف طرح

- 1- بررسی دیدگاه تولیدکنندگان امور دامی استان همدان از عملکرد مروجین امور دامی منطقه
- 2- بررسی دیدگاه کارشناسان و کارگزاران امور دامی استان همدان از عملکرد مروجین امور دامی
- 3- بررسی دیدگاه و جایگاه مروجین روستایی از عملکرد خودشان

نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق پیمایشی و به صورت کمی و کیفی می باشد. در روش کمی از شاخصهایی چون؛ مقادیر خدمات ارائه شده، سابقه مروجین در کار دامداری و مروجی و... و در روش کیفی از شاخصهایی مانند؛ میزان رضایتمندی از کار دامپروری، میزان انگیزه و... استفاده شده است.

برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز در مورد مروجین روستایی، کارشناسان و دست اندرکاران جهاد کشاورزی مرتبط با مروجین امور دام، از پرسشنامه و مصاحبه استفاده گردیده است. همچنین جهت جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از روستاییان

و تولیدکنندگان ابتدا موضوعاتی که باید با روستاییان مطرح شود، معین شده و سپس با استفاده از تکنیک P.R.A اطلاعات موردنیاز گردآوری شده است.

برخی یافته‌های تحقیق

- 1- میزان کارایی دامداران در رفع مشکلات، افزایش اطلاعات و تولیدفرآورده‌های دامی که مروجین دام در آن نقش بسزایی داشته باشند، بسیارضعیف است.
- 2- مروجان دام معمولاً از مجلات متعدد برخوردار بوده‌اند، اما به نظرمی‌رسد این قسمت از فعالیتهای تقویتی نسبت به افزایش مهارتهای مختلف مروجان براساس یک برنامه هدفمند نبوده است.
- 3- رضایتمندی شغلی مروجین دام ازدامپروری به خاطر تنگناهای متعدد از جمله در امر حمایتهای آموزشی، خدماتی و... از طرف دستگاههای دولتی چندان رضایتبخش نیست.
- 4- جامعه دامداران خواهان ارائه خدمات، تا حد مقدور در امر دام و دامپروری به صورت رایگان هستند و در شرایط اخذ اجرت، خواهان پرداخت آن متناسب با درآمدشان می‌باشند. از طرف دیگر یک فرد مروج چه برای ارائه خدمات آموزشی - ترویجی و چه جهت خدمات عملی و بهداشتی و درمانی، نیازمند گذران زندگی شخصی است، لذا جهت رضایتمندی دامداران در هر روستا باید تدابیری صورت پذیرد تا مشکلات درآمدی آنها به مرور زمان حل و فصل شود. لازمه این امر برنامه‌ریزی مناسب کارشناسان عملیاتی و مدیریتی در دستگاههای متولی است.
- 5- اگرچه میزان کلاسهای که از سوی دستگاههای دولتی برگزار شده، بسیار کم بوده است، اما به نسبت تعداد اجرای دوره‌ها، مروجان شناخت خوبی دریافت داشته‌اند.
- 6- مروجان دام، معمولاً روستازاده و با جریان تولیدات دامی و دامپروری عجین هستند. لذا براساس مطالعات انجام شده، میزان گرایش مروجان به این حرفه، مثبت نشان داده می‌شود.
- 7- در انتخاب مروجان از دیدگاه کارشناسان، عدم درآمدزایی شغل مروجی امور دام و نیز حمایت نکردن مسئولان ذی‌ربط از مروجان، از عمده مواردی است که به عنوان نقاط ضعف مطرح شده است.
- 8- نقاط قوتی که در انتخاب مروجین امور دام از دیدگاه کارشناسان مطرح است عبارت‌اند از: مردمی بودن، علاقه‌مندی به کار، پشتکار و جدیت در کار، افزایش اطلاعات و فعالیت در زمینه تزریقات و واکسیناسیون.
- 9- مراجعه مروجین به کارشناسان از نظم خاصی تبعیت نمی‌کند. لذا باید طبق یک زمانبندی منظم، راهنمایی و نظارت صورت گیرد. مراجعه مروجان به کارشناسان بسیار اندک است و همین میزان کم نیز بدون نظم می‌باشد.
- 10- باتوجه به سابقه خدمت بالای کارشناسان مرتبط با مروجان اموردام، تأثیرگذاری متقابل آنها از ابعاد آموزشی، فنی، سازماندهی و... در روستاها خیلی کم بوده است. این مطلب از منظر روستاییان، مروجان و کارشناسان بخوبی قابل درک می‌باشد.
- 11- دیدگاههای دامپزشکی و امور دام بیشترین تأثیر را در عملکرد مروجان امور دام گذاشته است.
- 12- اکثر مروجان در راستای وظایف کاری خود، با کمبود امکانات و وسایل کاری مواجه هستند.
- 13- هیچ‌گونه برنامه خاصی از سوی ارگانهای مربوطه از سوی ترویج‌امور دام شهرستان و استان جهت آموزش دامداران وجود ندارد.

- 14- در انتخاب مروجان امور دام هیچ‌گونه مشورتی با اهالی نشده و نقشی در این خصوص نداشته‌اند.
- 15- دامداران اعتقاد دارند مروجان باید از میزان سواد بالاتری نسبت به دهه قبل برخوردار باشند.
- 16- دامداران تمایلی به دادن دستمزد در قبال خدمات مروج ندارند و یا فقط حاضرند بخشی از آن را بپردازند.
- 17- هیچ‌یک از مروجان دام خود اقدام به برگزاری کلاس به عنوان مربی ننموده‌اند. بیشتر آنها در برگزاری کلاس‌هایی که در روستای خودشان برقرار می‌شود نقشی ندارند.
- 18- با وجودی که جهاد کشاورزی سرمایه زیادی به لحاظ هزینه و صرف وقت و نیز امکانات جهت تربیت تکنسین‌های تلقیح مصنوعی صرف نموده، اما فقط یک نفر از مروجان، به فعالیت تلقیح مصنوعی اشاره کرده‌است که بیانگر عدم استفاده از تکنسین‌های مذکور جهت فعالیتهای ترویجی می‌باشد.

پیشنهادها

- * مهمترین پیشنهادهای کارشناسان و دست‌اندرکاران امور دام جهت رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت مروجین امور دام، به ترتیب عبارت‌اند از: ایجاد درآمد و انگیزه برای مروجین، حمایت و پشتیبانی و ارتباط با مروجین، تجهیز مروجین به وسایل و امکانات مورد نیاز آنها، برگزاری کلاسهای آموزشی و ترویجی برای مروجین، مشخص نمودن جایگاه قانونی مروجین، واگذاری امور واکسیناسیون و یا خوراندن داروهای ضد انگلی توسط مروجین و ...
- * در انتخاب مروجین باید به علاقه‌مندی و رضایتمندی آنها از شغل دامپروری و مروجی توجه نمود. همچنین ضروری است در انتخاب مروجین از مردم نظرخواهی شود. بیشتر مردم برای انجام کارهای خود به فرد دیگری غیر از مروج مراجعه می‌کنند.
- * از کار مروجین بسیار کم بازدید می‌شود، لذا باید برنامه‌ریزی خاصی بین اداره‌های ترویج، دامپزشکی و امور دام جهت بازدید از کار آنها صورت گیرد و گزارش آن توسط هر یک از کارشناسان باید در کارتی ثبت شود و ارائه کارت و یا تمدید آن به مروجین و همچنین رتبه‌بندی آنان باید براساس گزارش بازدید انجام شده و شرکت در دوره‌های آموزشی باشد.
- * **72 درصد** مروجان از کار خود اعتماد لازم و کافی ندارند. لذا ضروری است تا از طریق رعایت مواردی که در بند اول بیان شد، میزان اعتماد بین آنها افزایش یابد.

* مروجین برای بهتر شدن میزان کارایی فعالیتهای ترویجی خود موارد زیر را به ترتیب اولویت پیشنهاد نموده‌اند:

- 1- در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات
- 2- برگزاری کلاسهای تئوری و بویژه عملی
- 3- در اختیار گذاشتن دارو و واکسن و سرم
- 4- بیمه کردن مروجان
- 5- حمایت مالی و ...

* اطلاعات ترویجی **51/3 درصد** از مروجین در حد خیلی ضعیف و یا ضعیف و دانش علوم دامی **38/5 درصد** از آنان در حد خیلی ضعیف و یا ضعیف می‌باشد. لذا ضروری است جهت ارتقای دانش ترویجی و امور دامی مروجان کلاس‌هایی برای آنها برگزار شود و همچنین نشریه‌هایی بامحتوای بهتر و با برنامه‌ریزی مناسبتر برای آنها ارسال شود.

* جهت تقویت تشکلهای تخصصی، مردمی، تسریع و تسهیل در به کارگیری منابع و امکانات دولتی، برنامه ریزی و هماهنگی بهتر و نیز کاهش تصدیگریهای دولتی و...، لازم است خانه های مروجان دامی در استان و هر شهرستان تشکیل شود.